به مناسبت پنجم مهر سالروز شکست حصر آبادان

ستارگانی که از آبادان به آسمان مشاهیر دفاع مقدس معرفی شدند

غلامحسین بهبودی

حصر آبادان در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ در آغاز دومین سال جنگ شکسته شد. پیش از آن آبادان حدود یک سال در محاصره دشمن قرار داشت و مردم و مدافعان شهر، دست‌در‌دست هم اجازه ندادند مهم‌ترین شهر اقتصادی خوزستان به دست دشمن سقوط کند. در طی محاصره آبادان و سپس عملیات ثامن‌الائمه(ع) چهره‌هایی رخ نشان دادند که در تاریخ جنگ جاودانه شدند. در آستانه پنجم مهر سالروز شکست حصر آبادان، به معرفی تعدادی از چهره‌های ماندگار این شهر و دفاع مقدس می‌پردازیم.

ناجی آبادان

امیر منوچهر کهتری را به عنوان ناجی آبادان می‌شناسند. او که در آغاز دفاع مقدس فرمانده گردان ۱۵۳ از تیپ دوم قوچان بود، ورودش به عرصه نبرد را با حضور در خرمشهر تجربه کرد. سپس کهتری و نیروهایش به آبادان رفتند و در مقطع محاصره این شهر، خدمات ارزنده‌ای ارائه دادند. چنانچه اگر کهتری و گردانش در کوی ذوالفقاریه حضور نداشتند، امکان داشت عراقی‌ها با عبور از بهمنشهیر و نفوذ به محله ذوالفقاریه، کل آبادان را به اشغال خود درآورند.

امیر کهتری از قدیمی‌های ارتش بود و زمان شروع جنگ، چیزی در حدود ۲۷ سال از خدمتش در این نیرو می‌گذشت. او با کوله‌باری از تجربه، در آبادان نقشی محوری داشت و به همین خاطر از میان چهره‌های سرشناس حاضر در آبادان، کهتری به عنوان ناجی این شهر شناخته می‌شود.

خود وی درخصوص حماسه کوی ذوالفقاریه می‌گوید: «نهم آبان ماه ۱۳۵۹ عراقی‌ها سعی کردند از بهمنشیر عبور کنند و به جزیره آبادان نفوذ کنند. کوی ذوالفقاریه با نخل‌ها پوشیده شده بود و دشمن هم به همین جهت این منطقه را انتخاب کرد تا در دید رزمندگان نباشد و به‌راحتی وارد شهر شود. با اطلاع از آمدن آنها، نیروهای ما در نخل‌ها مستقر شدند. شب‌هنگام یک سیاهی را دیدیم که از رودخانه به سوی ما آمد که متوجه شدیم یک عراقی است. او را گرفتیم، اما نکشتیم. آن عراقی اطلاعاتی به ما داد و گفت: امشب دشمن به شما حمله می‌کند. بنابراین ما آماده بودیم که ناگهان حمله شروع شد. من هم چهار جعبه نارنجک کنارم گذاشته بودم و کاملاً در حالت آماده‌باش قرار داشتم. در بهمنشیر هم جزر و مد آب شدید بود؛ آن زمان که آنها آمدند، آب پایین رفته بود. دو نفر از بچه‌ها هم کنار من بودند. تا ۱۲ می‌شمردیم و نارنجک را رها می‌کردیم. بالاخره چهار جعبه نارنجک تمام شد و صدای دور شدن ماشین‌های عراقی‌ها به گوش می‌رسید. ما هم همینطور دست نگه داشتیم. تیراندازی هم شده بود. تیری به کلاهم خورده بود، اما سوراخ نشده بود. صبح که شد به حاشیه رودخانه رفتم و جنازه عراقی‌ها را دیدم که آنجا افتاده بودند.»

علاوه بر مقطع محاصره آبادان، کهتری در عملیات ثامن‌الائمه نیز حضور داشت و در شکست حصر آبادان دوشادوش دیگر رزمنده‌ها جنگید و این شهر را از محاصره دشمن نجات دادند.

ننه زاغی

حسنیه حاج‌هاشمی فرزند حاج‌رضاقلی متولد ۱۲۸۸ در اسفرجان اصفهان بود. او سال‌ها به همراه دو دخترش ساکن آبادان بود و به این خاطر که یکی از دخترانش چشمان زاغی داشت، به ننه زاغی شهرت یافته بود. ننه زاغی در هنگام شروع جنگ، منطقه را ترک نکرد و در شهر ماند. سال‌ها به تنهایی در احمدآباد آبادان زندگی کرد و با اینکه اغلب همسایه‌هایش شهر را ترک کرده بودند، او ماند و حضورش چون قوت قلبی برای رزمنده‌ها بود.

خیلی سعی کردند حسنیه خانم (ننه زاغی) را مجاب کنند تا خانه‌اش را ترک کند. اما او زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت: «می‌مانم تا جنگ تموم بشود، یا اینکه همین جا بمیرم!...» هرچه به گوشش خواندند، انگار نه انگار. ننه زاغی در زمان حیاتش آنقدر معروف شده بود که تمام چهره‌ها و فرماندهان وقت مثل شهید دکتر مصطفی چمران، مقام معظم رهبری، شهید علی هاشمی و سردارانی چون حاج‌حسین خرازی و حاج‌احمد کاظمی، سردار مرتضی قربانی، سردار محمدابراهیم همت، مهدی باکری و کل فرماندهان وقت سپاه آبادان او را می‌شناختند و به ننه زاغی سر می‌زدند.

ننه زاغی در خانه مرغ پرورش می‌داد و از تخم‌مرغ‌ها هم خودش استفاده می‌کرد و هم به رزمنده‌هایی می‌داد که به او سر می‌زدند. نیمرو درست می‌کرد و به آنها می‌داد. در عوض رزمنده‌ها هم مواظب بودند که ننه کم و کسری نداشته باشد. ننه زاغی سال‌های پایانی عمرش را در مناطق جنگی گذراند و عاقبت نیز در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۶۷ تنها چند روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ فوت کرد. او یکی از اسطوره‌های مقاومت در شهر آبادان بود.

پدر معنوی آبادان

حجت‌الاسلام غلامحسین جمی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی، در اهرم مرکز تنگستان از توابع بوشهر به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۷ به آبادان مهاجرت کرد و در این شهر ساکن شد. او که از انقلابی‌های سرشناس خوزستان بود و بارها دستگیر و زندانی و شکنجه شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وظیفه پاسداری از انقلاب اسلامی را در استان حساس و مرزی خوزستان بر عهده گرفت. پیش از شروع جنگ، فعالیت‌های جمی بیشتر روی حفظ وحدت و محرومیت‌زدایی متمرکز بود. اما باید درخشان‌ترین مقطع فعالیت‌های سیاسی او را زمانی بدانیم که جنگ شروع شد و جمی سعی کرد با بسیج مردمی، سد محکمی در برابر تجاوز ارتش بعث عراق ایجاد کند.

حجت‌الاسلام جمی را باید یکی از قهرمان‌های بلامنازع آن روزهای آبادان بدانیم. بسیاری بر این عقیده‌اند که پس از تسخیر خرمشهر، مقاومت حجت‌الاسلام جمی نقش مهمی در حفظ آبادان داشت. او به‌رغم سن زیاد در این شهر محاصره شده ماند و با وجود هجمه سنگین دشمن، ایستادگی کرد و مردم را نیز به ماندن و مقاومت فراخواند. حجت‌الاسلام جمی با برگزاری نماز جمعه در شدیدترین شرایط جنگی، الهام‌بخش مردم و رزمندگان بود. مقاومت‌های پدر معنوی آبادان باعث شد تا این شهر در برابر دشمن ایستادگی کند و عاقبت در جریان عملیات ثامن‌الائمه از کابوس تصرف رهایی یابد. این روحانی مبارز سرانجام پس از چندین دهه خدمت به اسلام و انقلاب و تحمل سختی‌ها و مرارت‌های فراوان ۱۰ دی ۱۳۸۷ در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

> سیدمجتبی هاشمی فرمانده گروه فدائیان اسلام بود که جنگ‌های نامنظم را در خرمشهر و خصوصاً مقطع محاصره آبادان فرماندهی می‌کرد. این شهید یکی دیگر از چهره‌هایی است که در مقطع محاصره آبادان به شهرت رسید و نام و آوازه‌اش برای همیشه در آسمان ستارگان این مرز و بوم درخشیدن گرفت

مریم فرهانیان

شهید مریم فرهانیان متولد ۲۴ دی ماه ۱۳۴۲ یکی از شهیرترین زنان مقاوم آبادانی است که در سال اول انتخاب شهدای شاخص سال توسط سازمان بسیج مستضعفین، او به عنوان اولین بانوی شاخص شهید کشور انتخاب شد. شهید فرهانیان در آغاز جنگ تحمیلی، تنها ۱۷ سال داشت. با این وجود امدادگری و حضور در مناطق عملیاتی را انتخاب کرد و هرگز شهر خود آبادان را ترک نکرد.

مریم فرهانیان به مدت سه سال آن هم در شرایط جنگی به کار امدادگری و پرستاری از مجروحان جنگ در بیمارستان‌های مختلف آبادان مانند بیمارستان امام خمینی(ره) و طالقانی مشغول بود. بیمارستان امام خمینی(ره) در نقطه صفر مرزی شرکت نفت آبادان قرار داشت و گلوله دشمن مستقیم به در و دیوار بیمارستان اصابت می‌کرد. ولی مریم با دیگر خواهران امدادگر که بسیجی بودند در این بیمارستان به صورت شبانه‌روز مستقر شدند و زینب‌وار به مجروحان کمک می‌کردند. یا ابدان مطهر شهدا را جابه‌جا می‌کردند. این خواهران حتی حاضر نمی‌شدند که تقسیم‌بندی در ساعت کاری داشته باشند. کاملاً داوطلبانه در مقابل حجم سنگین کارها، خدمت‌رسانی می‌کردند.

وقتی شرایط در خرمشهر وخیم شد، مجروحان این شهر هم به بیمارستان امام خمینی(ره) و طالقانی انتقال داده می‌شدند. مجروحان بر اساس اولویت‌بندی و رسیدگی در کنار راهروهای بیمارستان و بخش‌ها و اورژانس قرار داده می‌شدند تا مداوای اولیه انجام شود که بتوانند آنها را به بیمارستان‌های بیرون از شهرهای آبادان انتقال دهند. یادم است مریم بیشتر اوقات از فرط خستگی می‌نشست و خودش تاول‌های پایش را التیام می‌داد. از طرفی در کنار مشغله کاری که داشت در رعایت شئون اسلامی بسیار حساس بود. برای حفظ حجابش ارزش زیادی قائل می‌شد. بیشتر مجروحان از جوانان غیربومی بودند و وقتی که وارد بیمارستان می‌شدند نه پدر و مادری داشتند که بالای سرشان باشند و نه کس‌وکاری. ولی شهید فرهانیان و سایر خواهران امدادگر مانند مادر و خواهری دلسوز از آنان پرستاری می‌کردند. یک بار که مریم در حین رسیدگی به مجروحان در بیمارستان امام خمینی(ره) بود ترکش می‌خورد، از ترس اینکه اگر از شهر خارج شود، دیگر نتواند برگردد، حاضر نمی‌شود برای مداوا از آبادان برود. ۲۰ روز شرایط سخت و مجروحیت خودش را تحمل می‌کند تا مداوا شود. زمانی که آبادان در عملیات ثامن‌الائمه از محاصره خارج شد، شهیده به کار امدادگری‌اش تا عملیات الی بیت‌المقدس در سال ۱۳۶۱ ادامه داد. از آزادی خرمشهر و بسیاری از عملیات‌های دیگر مانند عملیات رمضان و... تا ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ که به شهادت رسید، به مدت چهار سال و نیم فعالیت چشمگیری در مناطق عملیاتی دفاع مقدس داشت.

شهید سیدمجتبی هاشمی

رهبر انقلاب درخصوص شهید هاشمی فرموده‌اند: «هاشمی در آغاز جنگ و در آن روزها در خرمشهر و آبادان برای خودش حال و هوایی داشت.» شهید دکتر چمران هم خطاب به شهید هاشمی گفته بود: «هاشمی جان تو فرمانده‌ای هستی که به تو افتخار می‌کنیم.»

سیدمجتبی هاشمی فرمانده گروه فدائیان اسلام بود که جنگ‌های نامنظم را در خرمشهر و خصوصاً مقطع محاصره آبادان فرماندهی می‌کرد. این شهید یکی دیگر از چهره‌هایی است که در مقطع محاصره آبادان به شهرت رسید و نام و آوازه‌اش برای همیشه در آسمان ستارگان این مرز و بوم درخشیدن گرفت.

شهید هاشمی متولد سال ۱۳۱۹ در تهران بود. بعد از شروع جنگ گروهی متشکل از نیروهای داوطلب مردمی را گرد هم آورد و رهسپار جبهه‌های جنوب کشور شد. جاذبه شخصیتی او باعث شده بود تا افراد حاضر در گروهش از اقشار مختلف و شخصیت‌های متضاد باشند. به عنوان نمونه از شهید شاهرخ ضرغام معروف به حر انقلاب اسلامی گرفته تا شهید حاج‌حسین بصیر (بعدها به عنوان جانشین لشکر ۲۵ کربلا به شهادت رسید) در گروه او جمع شده بودند.

گروه شهید هاشمی در مقطع محاصره آبادان یکی از خطوط دفاعی اصلی را به خود اختصاص داده بودند و با تهور و جنگندگی که برخی از افراد گروه او نظیر شاهرخ ضرغام نشان داده بودند، سربازان بعثی از نیروهای امر شهید هاشمی وحشت بسیاری داشتند. شهید هاشمی تا آخرین روزهای حصر آبادان در این شهر ماند و کمک حال رزمندگان دیگر بود. او و گروهش در عملیات ثامن‌الائمه(ع) نیز حضور داشتند و نقش ارزنده‌ای در شکست حصر آبادان ایفا کردند. هاشمی عاقبت در سال ۱۳۶۴ در مغازه خودش در تهران توسط منافقین ترور شد و به شهادت رسید.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با مرتضی مموی

از جهادگران حاضر در عملیات ثامن‌الائمه(ع)

نگذاشتیم خاطره تلخ گمرک خرمشهر در آبادان تکرار شود

علیرضا محمدی

مرتضی مموی فرمانده جهاد سازندگی آبادان بود که در مقطع محاصره این شهر، نقش ارزنده‌ای در خروج اجناس حاضر در گمرک آبادان ایفا کرد. در توضیح باید گفت که وقتی خرمشهر سقوط کرد، بسیاری از اجناس ارزشمند در گمرک این شهر به دست نیروهای متجاوز افتاد و این تجربه تلخ باعث شد تا نیروهای ایرانی، گمرک آبادان را پیش از هر اتفاقی تخلیه کنند. متن زیر روایت مموی از اقدامات صورت گرفته در آبادان تحت محاصره و همینطور عملیات ثامن‌الائمه(ع) و شور و شعف شکست حصر آبادان است که با هم می‌خوانیم.

تخلیه گمرک آبادان

بندر خرمشهر در اوایل جنگ ثروت زیادی در انبارهایش داشت. گفته می‌شد وقتی عراقی‌ها حمله کردند، چیزی حدود ۴ میلیارد دلار جنس در گمرک خرمشهر وجود داشت. به عنوان نمونه تنها ۴ هزار انواع خودرو آنجا بود که بچه‌های جهاد پشتیبانی جنگ آبادان توانستند تنها ۱۰۰ وانت نیسان را از گمرک خرمشهر منتقل کنند و در اختیار رزمنده‌ها قرار بدهند. متأسفانه خیلی از اجناس گمرک خرمشهر به دست عراقی‌ها افتاد یا حین درگیری‌ها از بین رفت. براساس همین تجربه تلخ ما سعی کردیم پیش از آنکه اتفاق مشابهی در آبادان بیفتد، گمرک این شهر را تخلیه کنیم. البته با حکم دادگاه انقلاب این کار را انجام دادیم و قرار شد لیستی از اجناس تهیه شود تا بعدها نهادهای ذیربط بتوانند پول اجناس را به صاحبانش برگردانند. یادم است تنها در یک نمونه از این جابه‌جایی‌ها حدود ۵ هزار اورکت کره‌ای را از گمرک تخلیه کردیم و به رزمنده‌ها دادیم.

حفاظت از پالایشگاه

جهاد پشتیبانی جنگ در آبادان کار سختی پیش رو داشت. تأسیسات عظیم پالایشگاه نفت در آبادان بود و ما باید هرطور شده از آن محافظت می‌کردیم. برای این کار مسئولیت‌ها را تقسیم کردیم. مثلاً قسمت فرآوری نفت که از اهمیت خاصی برخوردار بود را به کمک انجمن اسلامی پالایشگاه دورتادورش را کیسه‌های شن ریختیم و پوشاندیم تا بمباران دشمن آسیبی به آن وارد نکند. بعد با توجه به تجربه گمرک خرمشهر، خیلی از قطعات مورد نیاز را از پالایشگاه خارج کردیم و به منطقه امیدیه بردیم. بعدها، در سال ۶۳، که کار بازسازی پالایشگاه از سر گرفته شد، مسئول بازسازی به من گفت که به دلیل تحریم ایران اگر همین قطعات منتقل شده به امیدیه نبود نمی‌توانستیم کارمان را پیش ببریم. همچنین با کمک خود بچه‌های پالایشگاه مخازنی را برای ذخیره بنزین آماده کردیم که در فرایند آن بشکه‌ها را زیر خاک پنهان می‌کردیم. اتفاقاً در شرایط جنگی و کمبود سوخت این بنزین‌های ذخیره شده مورد استفاده پایگاه چهارم شکاری دزفول قرار گرفت.

با نام امام غریب

وقتی قرار شد شکست حصر آبادان با نام مبارک امام غریب آقا امام رضا(ع) صورت بگیرد، تقریباً ۴۰ روز قبل از عملیات به ما آماده‌باش دادند. چون من در جهاد مسئولیت داشتم، می‌دانستم که اوضاع از چه قرار است اما به عموم نیروها خیلی اطلاعات داده نمی‌شد. در طول این مدت هم ما برای رزمندگان این سوی حصر سنگرهایی را ساخته بودیم. کارهای پشتیبانی هم به طور مخفیانه انجام می‌گرفتند و حتی زیرزمین هتل بزرگ شهر به عنوان انبار پشتیبانی و مهمات در نظر گرفته شده بود. هنگامی که عملیات شروع شد من به مناطق درگیری رفتم تا از سنگرهای ساخته شده و نحوه پشتیبانی از نزدیک مطلع شوم. بچه‌های ما مرتباً از انبار هتل تجهیزات و مهمات را به خطوط می‌رساندند. هماهنگی خوبی هم بین نیروهای این سو و آن سو وجود داشت. غالباً رزمندگان از اهواز و منطقه دارخوین آمده بودند و در این طرف هم مردم، بچه‌های سپاه آبادان و نیروهای بسیجی صف‌بندی کرده بودند. صبح روز بعد که به منطقه حفار شرقی رفتم آنجا توسط رزمندگان آزاد شده و برادر رحیم صفوی و شهید صیاد شیرازی را دیدم که دارند دستورات لازم را به نیروها می‌دهند. بخشی از جاده آبادان به اهواز و آبادان به ماهشهر آزاد شده بود و آثار شکست دشمن به‌خوبی نمایان بود. لحظات تاریخی یک به یک رقم می‌خوردند. این عملیات با خون رزمندگان زیادی به موفقیت رسید. شاید در آن لحظه همه از ما توقع شادی و سرور داشتند، اما به شخصه به دلیل مسئولیتی که داشتم تمام فکرم این بود که چند نفر از بچه‌های جهاد شهید شده و چه تعدادی مجروح شده‌اند.

> با کمک بچه‌های پالایشگاه مخازنی را برای ذخیره بنزین آماده کردیم که در فرایند آن بشکه‌ها را زیر خاک پنهان می‌کردیم. اتفاقاً در شرایط جنگی و کمبود سوخت این بنزین‌های ذخیره شده مورد استفاده پایگاه چهارم شکاری دزفول قرار گرفت

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۵۶

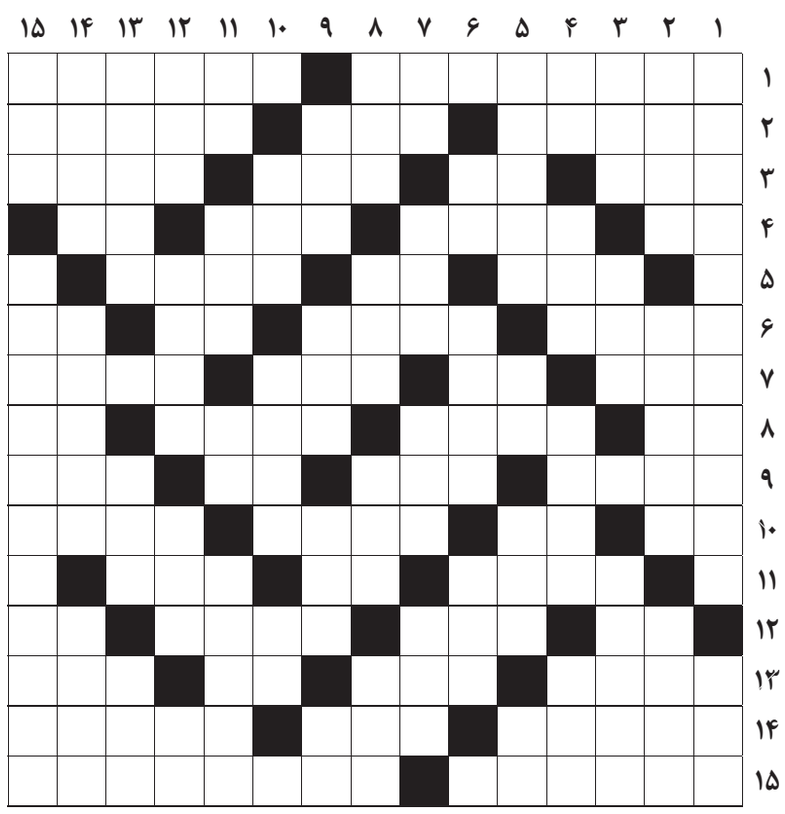

از راست به چپ

■ ۱- داده‌های کامپیوتری- نام درختی خاردار که در حاشیه خیابان‌ها کاشته می‌شود ■ ۲- یک پای ثابت بستنی- پوییدن و کوشیدن- اتفاق و پیشامد ■ ۳- ته‌چک- مخفف هستم- نوبت بازی- مرغ سخنگو ■ ۴- خط کش مهندسی- شنیداری- جزیره زادگاه ناپلئون- ابر غلیظ ■ ۵- شتر بارکش- ضمیر اشاره- خانه با عرصه مشجر ■ ۶- قوی‌تر- خرج زندگی زن و فرزند- رها و آزاد- از حروف صدادار ■ ۷- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- خرس آسمانی- نوشابه لبنی- زمین شوره‌زار ■ ۸- صدایش طنین زندگی است- پادشاهان- سریع‌ترین روش شنا- غیر و مگر ■ ۹- تنها جزیره اروندرود- کاشتن نهال یا درخت- غوزه پنبه- عدد سه‌رقمی ■ ۱۰- یار شیرازی- ویتامین انعقاد خون- گل‌به‌سر جالیزی- وارونه قزاق ■ ۱۱- جزیره آتشفشانی ایتالیا- آرواره- دهی در تهران ■ ۱۲- از خواهران انگلیسی نویسنده- کاسه‌گردان- آشنا و ماهر در کار- شهر مرکبات ■ ۱۳- واحد بزرگ نظامی- شک و گمان- ورزش مادر- مهمترین عامل تصفیه آلودگی هوا ■ ۱۴- هوشمندی- ضربه شدید روانی- الهه‌ای در یونان باستان ■ ۱۵- پایتخت آلبانی- ورزشی با توپ پردار

از بالا به پایین

■ ۱- پیشگوی معروف فرانسوی- خوشی؛ گوارایی ■ ۲- روایت‌کننده- اولین جانی تاریخ- غده‌ای در چشم ■ ۳- خو و سرشت- رنگ- مقابل اعتراف ■ ۴- حرف خطاب- جانب و طرف- فرشینه- جایز و شایسته ■ ۵- نوعی الماس- سرای مهر- علامت کالا- واحد وزنی ■ ۶- حرف همراهی عرب- استعداد سرشار- نشتر رگزنی ■ ۷- برگ برنده- فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی- سست و بی‌حال- استراحت زمین زراعی برای حاصلخیزشدن خاک ■ ۸- تندر- معامله مطلوب کاسب- شمشیر- بساط و فرش ■ ۹- گاو تبتی- ضربه‌ای در تنیس- انعکاس صدا- عدد رمزی ■ ۱۰- مهار شتر- خودبینی و خودپسندی- اسم آذری ■ ۱۱- تورفتگی ظرف بر اثر ضربه- عرضه خوردنی و نوشیدنی به حاضران- غذای سنتی- مدخل ■ ۱۲- ترشرویی- ماده ضدعفونی‌کننده پزشکی- در دیابت مقدارش در خون بالا می‌رود- پول ژاپن ■ ۱۳- کهن و دیرینه- تیم فوتبالی در یونان- پول تایلند ■ ۱۴- هاون- کوتاه‌کردن سخن- فیلم مهرجویی ■ ۱۵- وفای به عهد- شخص لاغر و نحیف، که به ویژه لفظ قلم صحبت می‌کند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌در‌سه فقط یک‌بار به کار روند.

۵		۸			۷		۲	
							۶	۷
		۶		۸	۴			
۹						۳		
			۱			۵		۴
۸	۳					۲		
	۲						۴	۱
			۶	۳				
	۵			۲				

۷	۴	۶	۱	۴	۴	۶	۵	۸
۴	۵	۸	۶	۴	۶	۴	۷	۱
۱	۴	۶	۷	۵	۸	۴	۴	۶
۶	۸	۴	۶	۴	۵	۱	۴	۷
۴	۷	۵	۴	۶	۱	۸	۶	۴
۶	۱	۴	۴	۸	۷	۵	۴	۶
۵	۶	۱	۴	۷	۴	۶	۸	۴
۸	۶	۷	۵	۱	۴	۴	۶	۴
۴	۴	۴	۸	۶	۶	۷	۱	۵

جدول کلمات متقاطع
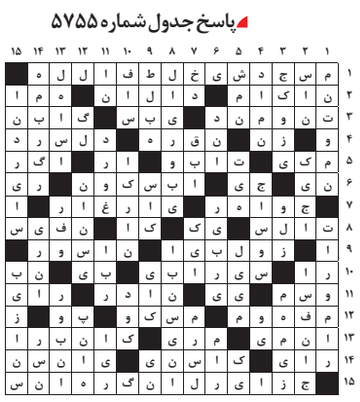
پاسخ جدول شماره ۵۷۵۵